

به یاد قاری خوش نفس و خاطره انگیز مصطفی غلوش

خاطره بازی با تلاوت های مجلسی

بعد از چندین دوره شورانگیز که کشورمان پشت سر گذاشته بود، یعنی پس از سال های دفاع مقدس، با رسیدن به دوران آرامش حاصل از ایستادگی مردم، دوره حرکت های پرشور فرهنگی آغاز شد. یکی از مهم ترین این حرکت ها رونق بیشتر فعالیت ها و آموزش ها و محافل قرآنی بود. آن روزها انواع نغمه های قرآنی با ظهور چهره هاو قاریان مختلف همه جا می پیچید. شنیدن نوار های کاست با صدای قاریان ممتاز و صاحب نام بین المللی، خود عالمی داشت. این آثار اجراهای شگفت انگیزی از قاریان مطرح دنیا بود؛ افرادی همچون «عبدالباسط»، «مصطفی اسماعیل»، «منشاوی»، «راغب مصطفی غلوش» که در سطح بین المللی به اجرا و قرائت قرآن می پرداختند و در بین قاریان ملی خودمان هم حتما به خاطر دارید که ناگهان در صفحه تلویزیون با پسر نوجوانی



رو به رو شدیم که با صدایش موجی تأثیر گذار بین خانواده ها و به ویژه نوجوانان آن زمان راه انداخت. نوجوانی که با پیروی از سبک قاریان مطرح با توجه به قابلیت های صدایش در آن سن بسیار معروف شد. حتما شما هم «جواد فروغی» را به خاطر می آورید. صدای دیگری که در همان دوره ها، با سوز عجیبی که داشت هر شنونده ای را پای تلویزیون یا رادیو می نشاند و بسیاری از ما منتظر بودیم تا صدا و سیما قرائت قرآن او را پخش کند، صدای «محمدجواد پناهی»، قاری جوان بود، همان طور که گفتیم ویژگی اصلی وی سوز خاصی بود که در صوتش موج می زد، به ویژه وقتی در دستگاه های حزین «حجاز» و «صبا» به قرائت می پرداخت و همان طور که روی صندلی چرخدار نشسته بود، موجی از دل ها را روانه آسمان می کرد. هر دوی این قاریان عزیز کشورمان در سطح بین المللی درخشیدند و از آن دوران رشته قرائت قرآن مورد استقبال گسترده نوجوانان و جوانان قرار گرفت. بعضی از اجراهای قاریان (چه داخلی و چه خارجی) هم خاطره ساز و ماندگار شد؛ مثل اجراهایی که این افراد در حضور مقام معظم رهبری داشتند. نوجوانی بسیاری از ما با صدای شماری از قاریان کلام وحی پیوند عجیبی خورده، کمتر کسی است که بلد نباشد زیر لب با اجرای عبدالباسط این آیه ها را زمزمه کند: «لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشية...». این آیات در اوج «دستگاه صبا» تلاوت می شد و دانش آموزان زیادی پشت بلندگوی مدرسه تلاش می کردند به پیروی از سبک او با بلند کردن صدای خودشان آن را هر چه شبیه تر به عبدالباسط بخوانند. غلوش هم یکی دیگر از چهره های ثابت صدا و سیما بود که تلاوت هایش به یاد همه ما مانده است؛ قاری بین المللی و مطرحی که متاسفانه باخبر شدیم روز پنج شنبه در فانی را وداع گفته است. اجرای دیگری که آن روزها پس از معروف شدن جواد فروغی بسیار مورد استقبال قرار گرفت، تلاوت سوره تکویر بود. حتما به یادتان هست که در مدرسه سر صف، دانش آموزانی که تلاوت قرآن را به عهده داشتند، دست کم هفته ای یک بار آن را اجرا می کردند. افراد سعی می کردند آیات مبارک این سوره را با سه مرتبه تکرار تلاوت کنند.

البته این حال و هوا در مقوله اذان گویی هم وجود داشت. یکی از معروف ترین اذان هایی که مؤذن های نوجوان در مساجد و مدارس آن را اجرا می کردند ، اذانی بود که توسط مرحوم غلوش اجرا شده بود. آنها برای رسیدن به سبک و سیاق غلوش، دقایق زیادی با ضبط صوت کنار تلویزیون می ایستادند و همه اعضای خانواده را در سکوت مجاب می کردند تا با ضبط کردن تلاوت مجلسی او، بتوانند مثل او سر صف یا در جلسات قرآن تلاوت کنند.

حس و حال خوب با نامه نگاری

امروز به ظاهر ارتباطات زیاد شده و راحت اما انگار این ارتباطات روح ندارد، نامه نوشتن برای خودش آیینی داشت و مقدمات فراوان. چون کم اتفاق می افتاد، دست نویس بود و حق اشتباه هم نداشتیم اهمیت پیدا می کرد و زحمت ما هم برای طرف مقابل ارزش زیادی داشت. کاغذ خوبی گیر می آوردیم، یک دور چرکنویس می نوشتیم و با زحمت پاکنویس می کردیم تا به طور مثال پچه محلی را که مدتی از همسایگی ما رفته از حال و روز خودمان و محله با خبر کنیم. در این بین نامه نوشتن چند فایده مهم هم برای ما داشت:

- برای بهتر نوشتن نامه سری به کتاب ها می زدیم، حتی کتاب هایی بود مخصوص آموزش نامه نگاری. کتاب های شعر را زیر و رو می کردیم و به همین بهانه کمی مطالعه می کردیم.
- چون نامه طولانی تر از پیامک و ایمیل و... بود نگارش ما را تقویت می کرد. به طور معمول سعی می کردیم پر از احساس باشد برای همین فاصله ها را کم می کرد و یاد می گرفتیم چطور حس مان را مکتوب کنیم.
- نامه نوشتن ما را سر ذوق می آورد، در گوشه و کنار نامه خطاطی می کردیم و گاهی نقاشی. دنبال کاغذ عطر دار می رفتیم، از خودمان در حالت های خوب عکس می گرفتیم، گل خشک می کردیم و لای کاغذها می گذاشتیم. خلاصه نامه یک متن خشک نبود.

قرار نیست نامه فقط برای دیروز بماند و ویژه آدم هایی که از هم دورند و... نامه شکل خاصی از بیان احساس است که فقط به همین شکل هم بیان می شود، قرار نیست نامه را پست کنیم گاهی می توانیم یک نامه پر احساس بنویسیم و بگذاریم توی جیب پدر، در بین وسایل مادر، توی کیف همسر و... تا هم حال خودمان خوب شود و نگفته ای نماند هم حس خوبی برای طرف مقابل مان رقم زده باشیم.

خاطره بازی با نامه نگاری های قدیم

روزی روزگاری نامه نگاری

نیره حسینی - «...بعد از سلام و احوال پرسی، اگر از احوال ما جویا باشید، ملالی نیست به جز دوری شما. ما همگی حالمان خوب است و دلمان برای شما تنگ شده است. به دایی قریان و زن دایی محترم سلام برسانید. به خاله فاطمه و حسن آقا سلام گرمی برسانید و بگویید منتظر شان هستیم. به عباس آقا همسایه قدیم مان هم سلام ما را برسانید.

دیگر هر که شد ز حال ما پرسان، یک به یک همه را سلام برسان...

نمک در نمکدان شوری ندارد / دل من طاقث دوری ندارد»

این جملات چیزی را به یاد شما می آورد؟ اصلا دوست عزیزی که در حال خواندن این جمله ها هستی، چند سال

داری؟ در عمرت چند نامه نوشتی؟ نامه... نه ایمیل، نه پیامک طولانی... نامه روی کاغذ با خود کار بیک...

یادش بخیر. روزگاری نامه نگاری رونقی داشت. پاکت های نامه دسته دسته به فروش می رسید

و در هر خیابان چند صندوق پست بود.... «زندگی سلام، امروز سفری دارد به آن روزها و

یادی از آن خاطرات و مقایسه آن روزها با این روزها.

کارکردهای نامه

نامه نوشتن که امروزه در قالب ارتباطات الکترونیکی و دیجیتالی انجام می شود به دلیل سهولت به نظر کار چندان مهمی نمی آید، اما در قدیم کاری مهم و موضوعی ارزشمند تلقی می شد و دارای اهداف، نقش ها و کارکردهای متفاوتی بود که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

● **احوال پرسی:** در گذشته چون راه های ارتباطی آسان و راحتی وجود نداشت، راه های خبرگیری از عزیزان و آگاه شدن از حال و احوال آن ها بسیار محدود بود؛ مثلا افراد باید مدت ها انتظار می کشیدند تا گذر یکی از دوستان، همشهریان یا اقوام دور و نزدیک به شهر، منطقه یا دیار طرف مقابل بیفتد تا شاید او را ببیند یا درباره او چیزی بشنود و از او خبری بیآورد. در مواردی وقتی چنین فردی پیدا می شد، افراد سعی می کردند علاوه بر رساندن پیام شفاهی که در حد یک جمله کوتاه بود، در صورت امکان نامه ای هم از طریق این واسطه به طرف برسانند و از او بخواهند از حال و احوال و شرایطش خبری بدهد؛ بعدها که امکان ارسال نامه پیش آمد، نامه نگاری رواج یافت هرچند تا دریافت پاسخ، زمان زیادی صرف می شد.

● **درد دل کردن:** گاهی نامه نوشتن برای درد دل کردن با فرد مورد اعتمادی بود که در شهر دیگری زندگی می کرد. در واقع نامه می توانست نقش رساندن حرف های ناگفته و در دل تلنبار شده را بر عهده بگیرد. این مقوله به ویژه بین دو دوست بسیار رایج بود.

● **خبررسانی:** گاهی رساندن یک خبر مهم عامل نوشتن نامه می شد که ممکن بود فرائز از مقوله های خصوصی و خانوادگی باشد و به مسایل مهم تر و حساس تر مربوط می شد.

● **تبریک و...:** یادش بخیر زمانی افراد برای تبریک سال نو یا دوستانی که با هم رابطه دوستانه تری داشتند، برای تبریک تولد یا به مناسبت ازدواج یکدیگر، همراه با نامه، کارت پستال های زیبایی تهیه و ارسال می کردند که کاری رایج و بسیار فرح بخش بود.

نامه های ماندگار خواندنی

شاید بتوان گفت که خواندنی ترین نامه هایی که سال های قدیم نوشته و ارسال می شد، سه دسته نامه بود که به صورت گذرا به آن ها می پردازیم:

● **نامه دو نفر که با هم نامزد شده یا در عقد یکدیگر بودند.** محتوای این نامه ها که با حیا و شرمی پر از محبت و عشق آمیخته شده بود، از جمله نامه هایی بود که بارها و بارها توسط فرد خواننده می شد. شاید هنوز هم بتوان در لابه لای اسناد و مدارک قدیم خانه پدرها و مادرهای مسن، اثری از نامه های آن دوران یافت. در بیشتر این نامه ها که از دیگران مخفی می ماند، لکه های ناشی از گریه حاصل از فراق در جای جای آن به چشم می خورد و سراسر بیان احساس و اشتیاق به دیداری دوباره است.

● **نامه سربازها به خانواده شان.** این یکی دیگر واقعا دل آدم را به رحم می آورد. سربازهایی که گاهی برای اولین بار از فضای خانه و خانواده دور شده اندو با نوشتن نامه، یکی از مهم ترین اعترافات تاریخی خود را در آن مطرح می کردند که عبارت بود از این که حالا قدر و ارزش خانواده خود را بهتر درک می کنند؛ مخصوصا این امر با اعتراف مهم دیگری نیز همراه بود و آن بی نظیردانستن دستپخت مادر بود که لنگه اش در هیچ جای دنیا یافت نمی شد، این را با چشیدن آش های سربازخانه به خوبی می توان فهمید!

● **نامه شخصیت های معروف.** این نامه ها دو دسته می شود. نامه ای که چهره های شاخص در زمینه های مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی و ادبی برای اعضای خانواده خود به ویژه همسرشان، می نوشتند یا نامه ای که دو شخصیت برای یکدیگر می نوشتند؛ مثلا دو نویسنده بزرگ یا دو دانشمند که محتوای آن ها یا شامل تحلیل مسایل روز مرتبط با موضوع مورد نظرشان بود یا شرح حال و حدیث نفس از روزگاری که سیری می کردند. ویژگی این گونه نامه ها اهمیت تاریخی آن هاست که گاهی حتی مسایل تاریک و مهمی را درباره آن شخصیت، زندگی یا فضای اجتماعی و سیاسی خاص زمان او معرفی و روشن می کند و بسیاری از آن ها به صورت کتاب منتشر شده است که انتشار آن ها به صورت کتاب که گاهی محل ارجاع بسیاری از مباحث پژوهشی می شود، دلیل کافی برای اثبات اهمیت نامه نوشتن است.

نوشتن نامه به روش دورهمی

تا صحبت از نامه و نامه نگاری می شود، تصویر انواع تمبرها و یک پاکت سفید کوچک به خاطر می آید که قرار بود محتوای نامه را تا مقصد حفظ کند. هر چه به زمان عقب تر برگردیم، حال و هوای نامه نگاری خاص تر و متفاوت تر می شود. روزهایی که وقتی می خواستند نامه بنویسند یک عده افراد دور هم جمع می شدند، گاهی تمام افراد خانواده، گاهی جمعی از فامیل، گاهی تعدادی از افراد محل و هر چه زمان به جلوتر آمد، تعداد این افراد کمتر و کمتر و نامه ها به فضاهای خصوصی افراد نزدیک و نزدیک تر شد.

عوامل مختلفی باعث می شد افراد برای نوشتن نامه دور هم جمع شوند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

● **سطح اندک سواد بین عموم.** بیشتر افراد به ویژه در مناطق محروم و طبقات پایین اجتماع از سواد کافی برخوردار نبودند؛ بنابراین وقتی در خانواده ای یک فرد با سواد بود حتی در سطح تحصیلات مقطع ابتدایی، دیگران از او می خواستند برایشان نامه بنویسد و مثلا اگر خانواده ای می خواست برای یکی از اعضای خانواده خود نامه بنویسد، همه اعضا در زمان نوشتن نامه حاضر می شدند تا حرف و پیام خود را مطرح کنند و کاتب نامه، آن ها را بنویسد. غلط های املایی به جا مانده در نامه ها گواه میزان سواد کاتب آن نامه هاست.

● **سخت بودن راه های ارتباطی.** در گذشته راه های برقراری ارتباط از راه دور و خبرگیری از عزیزان و دیگر افراد بسیار دشوار بود، بنابر این اصل برقراری ارتباط اهمیت بسزایی پیدا می کرد و وقتی قرار بود نامه ای نوشته شود، همه احساس می کردند با حضور در زمان نامه نویسی به نوعی در حال برقراری ارتباط با فرد مورد نظر هستند و چنان همفکری می کردند تا نکته ای از قلم نیفتد.

● **اهمیت موضوع.** در بسیاری از مواقع، باز هم به دلیل سختی برقراری ارتباط و زمان بر بودن فرایند ارسال و دریافت نامه، معمولا به جز احوال پرسی از عزیزان در دیگر موارد تنها برای موضوعات ضروری و مهم نامه نوشته می شد، اهمیت موضوع نامه یکی دیگر از دلایل جمع شدن افراد دور یکدیگر بود.

۴ امتیازی که نامه نوشتن داشت

نوشتن و پست کردن نامه علاوه بر صفایی که داشت و حال و هوای بسیار خوشایندی که به طرفین می داد، محاسن و امتیازات دیگری نیز داشت؛ مثل مواردی که در ادامه به آن ها اشاره می کنیم:

● **راحت و آسان بود.** نامه نوشتن، فقط انگیزه درونی می خواست و سواد ی برای نوشتن. بیشترین هزینه مادی هم پولی بود که بابت خرید پاکت نامه و تمبر به تعداد کافی (متناسب با مسافت یا شهر مقصد تعداد تمبرها به مشخص می شد و بسیار ارزان بود) صرف می شد.

● **بهترین و شاید تنها راه برقراری ارتباط بود.** وقتی هنوز خبری از خطوط ساده تلفن نبود، تنها راه و راحت ترین راه نوشتن نامه بود هر چند زمان بسیار زیادی طول می کشید تا نامه به مخاطب برسد. بسیاری اوقات هم فردی از بین عزیزان ما بود که در جایی مثل سربازی بود و امکان استفاده از تلفن را نداشت برای همین نامه گره گشا بود. تازه همه چیز را نمی شود پای تلفن گفت. گل خشک می کردیم و لای نامه می گذاشتیم، عکس تازه ای از خانواده برایش می فرستادیم و کلی ابتکار دیگر تا فاصله ها را کم کنیم.

● **محدودیت و ممنوعیت نداشت.** نامه نوشتن هیچ وقت در تاریخ ممنوعیت نداشت. هر کسی هر زمان می خواست، می توانست نامه بفرستد و از طرفی دست افراد در مدیریت نامه چه به لحاظ محتوا و چه به لحاظ حجم آن باز بود.



کاشت مو و ابروی طبیعی و قابل رشد

لیزرو جراحی های صغیر پوست | تزریق ژل، بوتاکس، چربی

www.paydarclinic.com

مشهد، فلسطین ۲۱ | تلفن: ۰۲-۳۸۴۷۴۷۵۰

درمانگاه تخصصی پوست و مو پایدار